امام علی(ع) از منظر شاعران

سیدمهدی پرینچی
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

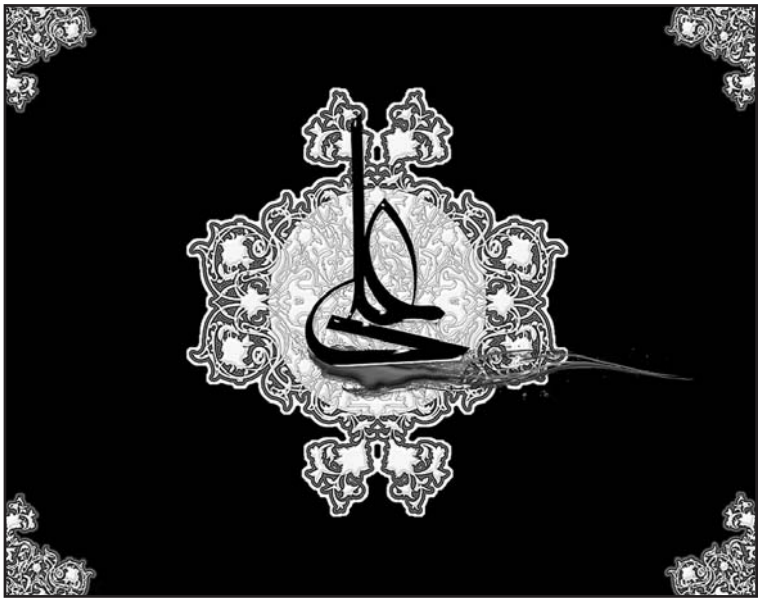

قسمت اول

بر خوان غم چو عالمیان را صلا زدند
اول صلا به سلسله انبیا زدند
نوبت به اولیا که رسید آسمان تپید
زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند

محتشم کاشانی

شاعران ایران زمین در طول بیش از یک هزار و یکصد سال گذشته در وصف امام علی(ع) اشعار فراوانی سروده‌اند.

تصویر امام به دو صورت در شعر شاعران پارسی زبان جلوه گر شده است یا شاعران در ضمن کلام خویش به سخنان و احادیث و رویدادهای مختلف زندگی پرافتخار ایشان چه به صورت تلمیح و چه به صورت تضمین اشاره کرده‌اند و یا شعرهایی در مدح و بیان عظمت آن حضرت سروده‌اند.

آفتاب باشکوه وجود امام چنان تابناک است که کسی را یارای پنهان کردن فضایل ایشان در پشت پرده‌ی اختلافات عقیدتی نمی باشد و شعرای فارسی چه شیعی و چه غیرشیعی به بیان زندگی و فضایل آن حضرت پرداخته‌اند به گونه‌ای که حتی در بسیاری از موارد شعرای غیرشیعه در این زمینه گوی سبقت را ربوده‌اند و در شیعه نبودن آنها می توان شک داشت.

در نوشته‌ی زیر قسمت دوم یعنی وصف امام از زبان شاعران مورد توجه بوده است.

امام علی(ع) را می توان امام وصف ناپذیر و شگفت‌آفرین و جمع اضداد نامید.

کدام پیامبر و امامی را می توان سراغ گرفت که هم تولدش در خانه‌ی خدا باشد و هم شهادتش؛ این افتخار شایسته‌ی کسی جز تو نیست یاعلی!

کعبه از نور جمالت روشن است
کز حریم لطف یزدان آمدی

مشفق کاشانی

از ائمه ذات ممتاز تو، ممتاز آمده
آنچنان کز اشهر اثنا عشر شهر صیام

محتشم کاشانی

آری! امام علی(ع) بعد از پیامبر اکرم(ص) افضل موجودات است هرچند که در واقع هر دو از یک نور واحدند و افتراق و جدایی مابینشان نیست.

فضل آن کس کز پیمبر بگذری فاضل تر اوست
فضل آن رکن مسلمانی امام المتقین

کسایی

علی چون با نبی باشد ز یک نور
یکی باشند هر دو از دویی دور

عطار

اماما! تو معنای واقعی حدیث قدسی هستی که می گوید: کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعراف فخلفت الخلق لکی اعرف؛ من (خداوند) گنجی پنهان بودم دوست داشتم شناخته شوم به همین جهت آنها را خلق کردم تا شناخته گردم.

مخزن گنج کنت کنزا اوست
محرم کبریا علی ولی

شاه نعمت‌ا... ولی

چه کسی می تواند مانند تو و زهرایت(س) باشد که سه روز روزه باشید و زمان افطار هر بار غذایتان را به فقیری بدهید و سه روز بدون افطار روزه بگیرید.

پس شایسته‌ی شماست که هفده آیه (هل اتی) در شان شما نازل شود.

به سنان و سه نان گرفته همه
ملکت دو سرا علی ولی
شاه نعمت‌ا... ولی
تا سه نان نداد در حق او
هفده آیت خدای نفرستاد

سنایی

تنها کسی که سزاوار است پا بر دوش پیامبر(ص) بگذارد و بت‌های خانه‌ی خدا را در فتح مکه سرنگون کند تو هستی چون تو و پیامبر(ص) برادران واقعی هستید و بیهوده در مدینه با یکدیگر عهد اخوت نبستید و پیامبر(ص) خطاب به تو فرموده: ای علی تو در دنیا و آخرت برادر من هستی.

پا به دوش مصطفی بهر شکست بت نهاد
پایه قدرش نگر کز هر دو عالم برترست

اهلی شیرازی

گشته اندر کعبه آن صاحب قبول
بت شکن بر پشتی دوش رسول

عطار

مگر کسی جز تو لیاقت دامادی حضرت رسول(ص) را دارد این افتخار فقط باید نصیب افضل الاصفیا باشد تا داماد افضل الانبیا شود.

فضل زین الاصفیا، داماد فضل الانبیا
کافریدش خالق خلق آفرین از آفرین

کسایی

تو علاوه بر دامادی حضرت رسول(ص) این افتخار را هم داری که پسرعموی پیامبر باشی

ابن عم مصطفی بحر سخا بدرالدجی
اصل و نسل بوالبشر، خیرالبشر، کهف الانام

محتشم کاشانی

معنی واقعی آیه‌ی مودت که در قرآن آمده و در ازای زحمات پیامبر(ص) که در راه اسلام کشیده بود دوستداری اهل بیت را خواسته بود تو و خاندانت می باشد.

گر آیت مودت قربی نخوانده‌ای
قل را بخوان که اسالکم در قفای اوست

ابن حسام خوسفی

آن کسی می تواند جانشین پیامبر(ص) باشد که در حین نماز زکات خود را داده و مصداق آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مائده قرار بگیرد: ولی امر شما تنها رسول خدا و مومنانی هستند که نماز بپا داشته و فقیران را در حال رکوع زکات می دهند.

آن که در حین صلوه از مال خود دادی زکوه
جز علی را کس نمی دانم به نص انما

ابن یمین

مگر می توان منکر واقعه‌ی غدیر شد مگر می توان وجود ده‌ها هزار نفری حاجیان در این واقعه و گواهی ایشان بر ولایت علی شد و مگر می توان با گل آفتابی را از نظرها پنهان کرد و همین موضوع است که بیشترین توجه شاعران را درباره‌ی زندگی آن حضرت به خود معطوف ساخته و غدیریه‌های فراوانی در این باب سروده‌اند.

نایب مصطفی به روز غدیر
کرده در شرع، مرو را به امیر

سنایی

اوست مولانا به فرمانی که از حق ناحق است
چون توان منکر شدن در شان او «من کنت» را

ابن یمین

هر که منبر جز علی را سازد او باشد چو آن
کس که مصحف را به دست کودک نادان دهد

قوامی رازی

راهی به جز راه علی و اولاد او راه خطایی است و ایشان سپر آتش جهنم و راهنمای بهشت جاویدان هستند.

اگر چشم داری بدیگر سرا
بنزد نبی و علی گیر جای

فردوسی

ای امت برگشته ز اولاد پیمبر
اولاد پیمبر حکم روز قضا اند

ناصرخسرو

آری باید از درخت ولایت میوه‌ی حب علی را چید چون راهی جز این راه خطایی است.

هر درختی کو ندارد میوه حب علی
اصل و فرعش چون قلم سر تا به پا، باید زدن

شاه نعمت‌ا... ولی

جنگ هفتاد دو ملت را باید کنار گذاشت؛ چراکه مذهب اصلی دوستداری علی(ع) و آل عباست.

بر خود مساز مذهب هفتاد و دو دراز
یک رنگ آل باش که اصل مذاهبست

بابا فغانی شیرازی

چه کسی بهتر از او جانشین پیامبر باشد کسی که دین اسلام به وسیله‌ی او پایدار ماند و کسی که در همه‌ی غزوات پیامبر به جز غزوه‌ی تبوک و آن هم به مصلحتی که پیامبر(ص) دیده بود و برای دفع نقشه‌ی منافقین حضور داشت.

گر نبودی زخم تیغ و تیرت اندر راه دین
دین نپوشیدی لباس ایمنی بر خویشتن
فرش کفر از روی عالم در نوشتی سربسر
ناصر دین هدی و قاهر کفر و وثن

سنایی

حصن اسلام از دم شمشیر او شد استوار
آنچنان که کعبه از مولود او شد باصفا

همای شیرازی

ای امامی که سپر آتش جهنمی، در آن جهان یاور ما باش ما منتظر شفاعت تو هستیم وگرنه اتش دوزخ جان ما را با خشم خود خواهد سوزاند.

مرهم چشم موالی میخ چشم خارجی
مومنان را روز محشر رهبر و رهبان علی است

مولوی

مگر ای سحاب رحمت تو بباری ارنه دوزخ
به شرار قهر سوزد همه جان ما سوا را

شهریار

ای ساقی کوثر در روز قیامت ما تشنگان وادی ایمان را در آن روز سیراب گردان

تشنگان وادی ایمان چو در کوثر رسند
از شعف دست طلب در دامن حیدر زنند

خواجوی کرمانی

خداوندا ما را با علی(ع) عاقبت به خیر کن و با خاک پای او درد دردمندان را دوا کن

زبانم را چنان دان به شهادت
که باشد ختم کارم بر سعادت
دماغ دردمندان را دوا کن
دواش از خاک پای مرتضی کن

نظامی

منابع

ـ قرآن مجید
ـ احادیث و قصص مثنوی، بدیع الزمان فروزانفر
ـ دیوان یا مثنوی های شاعرانی که اسامی آنها مذکور است.

«دا» خاطراتی که بوی خاک خرمشهر می دهد

ناهیدسادات حیاتی

مقدمه

سال ۱۳۸۷ بود که پوسترهای تبلیغاتی «دا» را می دیدم، پوسترهایی به رنگ جلد کتاب، قرمز با طرح زنی به رنگ جنگ و خون، در ابعاد مختلف. برایم نام «دا» جالب بود. «مادر»! پس از کتاب مادر که سال‌ها پیش خوانده بودم، کتابی به این نام ـ آن هم محلی ـ ندیده بودم. در مدت کوتاهی در نشریات و روزنامه‌ها از فروش و چاپ‌های مکرر کتاب و نقد و گفت و گوهای فراوانی با نویسنده و راوی کتاب دیدم و این که کتابم در فاصله‌ی یک سال تا ۸۸، به چاپ چهل و پنجم و بالاتر رسید، این نکته جای بسی شگفتی و تحسین بود. نقدها و نوشته‌هایی که صاحبنظران کتاب و سینما، نویسندگان، کارگردان‌های مشهور و اهالی فرهنگ و هنر در مورد «دا» می دادند، نشان از متفاوت بودن اثری با موضوع «دفاع مقدس» و «جنگ» می داد. همان در صفحات اول و فصل‌های اول کتاب بوی خرمشهر، بوی «گلوله» و بوی آتش کشیدن جاده‌ی شلمچه، به مشام خواننده می رسید. این صحنه‌ها و مسایل و خاطرات روزهای جنگ، آن هم از قلم یک راوی زن که خاطرات رنج کشیدن زن دیگری را قلم زده است، این اثر را متفاوت تر از آثار دیگری از دفاع مقدس می کند. جوایز متعددی که به نویسنده‌ی این کتاب ـ سیده‌اعظم حسینی ـ تعلق می گرفت و فروش فوق‌العاده‌ی کتاب در نمایشگاه کتاب ۸۹، که در سنین مختلف آن را خریداری کرده بودند، جای بسی سخن دارد که می توان به جرات گفت که در عرصه‌ی نویسندگی اگرچه تعداد زنان نویسنده، کمتر از مردان است و اگرچه زنان با هزاران مشکل و مسوولیت‌های شغلی و خانوادگی روبرو هستند؛ ولی می توان به پشتکار نویسنده و راوی کتابی چون «دا» تبریک گفت که با تلاش و پیگیری‌های متعدد چنین کتابی را پدید آورده‌اند و با خلق چنین اثری، یک بار دیگر چهره‌ی یک «زن ایرانی» به عنوان یک راوی دوران جنگ ـ که برخی آن دوران را از یاد برده‌اند! ـ و نویسنده‌ی خاطرات تلخ و سخت آن روزگار، برای الگوی یک زن صبور و با پشتکار نام برد.

«دا» خاطره یا رمان؟

«دا» داستان زنی است که روزهای اول جنگ را در خرمشهر بوده و در جنگ حضور داشته است، هرچند داستان زندگی این زن و رشادت‌هایش در جنگ نمود بیشتری دارد؛ اما قصه از سال‌ها پیش زندگی او را تصویر می کند. «دا» کتابی است که در حوزه‌ی خاطره منتشر شده است؛ هرچند در برخی از بخش‌های کتاب، خواننده سردرگم می شود که این اثر یک خاطره است یا رمان؟!

«دا» رنج‌های یک زن را در جنگ روایت می کند و چون چنین نگاهی شاید در میان کتاب‌ها نسبت به مقوله‌ی زن و جنگ وجود نداشته، باعث شده است که به آن توجه شود و یکی از نقاط قوت این کتاب هم شاید این باشد که مشکلات یک زن را زنی دیگر نگاشته است و به نوعی زنان حرف یکدیگر را بهتر می فهمند و بهتر می توانند روایتگر آن باشند. «دا» علاوه بر انتشار بالای شصت بار، در مدتی کوتاه توانسته به عنوان برترین اثر ادبی سال از نگاه منتقدان ادبی و همچنین برترین اثر ادبی در حوزه‌ی دفاع مقدس انتخاب شود.

«دا» بخشی از حقیقت جنگ در روزهای مقاومت خرمشهر از نگاه یک دختر ۱۷ ساله است و این کتاب، این حقایق را بازگو می کند.

این کتاب به ما یادآور می شود که در جنگ نه جنسیت اهمیت دارد و نه سن و سال و زهرا حسینی راوی جنگ، با این اثر جنگ و زمان دفاع مقدس را با دشمن کامل تر توصیف کرده است.

علیرضا کمری ـ نویسنده ـ و یکی از کسانی که این کتاب با نظر او منتشر شده است می گوید: چیزی که در این کتاب اتفاق می افتد، نشانگر این است که خیلی چیزها اتفاق افتاده، اما چون روایت نشده به نظر می آید اتفاقی نیفتاده است در واقع این کتاب، یک اثر ملی و انسانی است که می توان آن را فقط محدود به نگاه مخاطب ایرانی ندانست.

از زمانی که «دا» منتشر شد، بسیاری از هنرمندان درباره‌ی آن نظر داده‌اند. یعنی هم نویسندگان و هم کسانی که در عرصه‌ی هنرهای تصویری و سینمایی فعالیت دارند تا جایی که تهمینه میلانی، برای ساخت این فیلم اظهار تمایل کرد و بنا بر آنچه در خبرها آمده بود، این کارگردان امتیاز ساخت فیلم را از حوزه گرفته است و همچنین داریوش مهرجویی هم که سابقه‌ی تولید فیلم‌های اقتباسی را دارد برای تولید این فیلم ابراز تمایل کرده است، هرچند او این اثر را یک رمان می داند (ناگفته نماند اولین کسی که پیشنهاد ساخت فیلم به راوی «دا» داده بود، سیدمرتضی آوینی بود.)

همانطور که می دانیم ادبیات جنگ و دفاع مقدس برخلاف برخی از بخش‌های فرهنگی مانند تئاتر و سینما به جنگ نگاه منتقدانه‌ای دارد؛ اما انچه کتاب «دا» را با وجود قطر زیاد و قیمت نسبتا بالای آن (۱۲ هزار تومان) به این جایگاه رسانده است همان نگاه متفاوت یا نگاه یک «زن» به جنگ و مقوله‌ی دفاع مقدس است. نکته‌ای که سیده زهرا حسینی نیز به آن اشاره می کند: «حق زنان ما در جنگ یا کمتر دیده شده یا نادیده گرفته شده است. به اعتقاد من بار جنگ روی دوش زنان بود. فرض کنید اگر همین زنان مانع حضور همسران یا فرزندان خود در جنگ می شدند قطعا شکست خورده بودیم؛ اما عزیزانشان را فرستادند و نقش خود را هم به عنوان «زن» و هم به عنوان «مرد» خانه ایفا کردند. در کشورهای اروپایی که درگیر جنگ بودند، خیلی از زن‌ها افتضاح بار آوردند؛ ولی در جامعه‌ی ما خوشبختانه این اتفاق نیفتاد.

مرجع خاطره‌ی کتاب «دا» سیده زهرا حسینی، زن رنج کشیده و مسوولیت پذیری است؛ اما در عین حال زنی سرسخت که نفوذ به درونیات و راه یافتن به عمق احساساتش که یکی از عناصر اصلی محتویی کتاب به شمار می آمده، از مشکل ترین مسایل بوده است که نویسنده‌ی کتاب به آن اشاره کرده است:(در مصاحبه‌ی نویسنده)

از مطالعه‌ی کتاب پی می بریم نویسنده در حوزه‌ی خاطره نویسی جنگ، آگاهی و دانش پیرامون موضوعات مختلف جنگ، اطلاعات جغرافیایی، نظامی، تاریخی، مردم شناسی، فرهنگی، مذهبی و ... تحقیق کرده است. اگر اطلاعات نویسنده دامنه و عمقش بیشتر باشد، او را در طرح سوال و موضوع و بررسی ابعاد و جوانب هر حادثه بهتر و بیشتر یاری می دهد و طبیعتا اثر و کتاب را کامل تر. (بخصوص در کارهای مستند، حال این اثر فیلم باشد یا کتاب).

تعداد و تنوع فضاهایی که در این کتاب به آنها پرداخته شده، تعداد شخصیت‌ها، ورود آنها به ماجرا، شرح و بیان و عملکرد و خروج آنها از ماجرا، تعداد و تنوع کارکرد شخصیت اصلی، بستر چگونگی حوادث، جریان عاطفی و حسی در کتاب و موارد متعدد دیگر، همه از گستردگی ابعاد این کتاب، حکایت می کند.

یکی از نکات مهم که باید به آن اشاره کنیم این است که خواننده‌ی کتاب «دا» احتمال دارد موقع خواندن رویدادهای کتاب متوجه حضور نویسنده و تلاش او در توصیف جزییات حوادث نشود که این موضوع نشان دهنده‌ی توانایی نویسنده است. چون هدف، بازنمایی خاطرات راوی است و نقش نویسنده در این میان بیشتر به یک پردازشگر ادبی شباهت دارد و حق ندارد برخلاف احساس مورد نظر روایت کننده، حس دیگری را به «اثر» تحمیل کند. البته چون در شکل گیری این کتاب، دو نفر (راوی و نویسنده) سهیم بوده‌اند، نمی توان به طور قطع گفت که نقاط ضعف و قدرت اثر، از ناحیه‌ی کدام یک از آنها بوده است؛ اما به هر حال خاطرات نقل شده در این کتاب، به گونه‌ای است که در آن مخاطب را کاملا تحت تاثیر قرار می دهد و این از ویژگی‌های اصلی و مثبت کتاب است.

احساسی که بر خاطرت بیان شده در این کتاب، جاری است، متاثر از روحیات زنانه‌ای است که آثار خلق شده در حوزه‌ی ادبیات پایداری به قلم مردان، این ویژگی را ندارد. تئر عاطفی و نگاهی که به ویژگی خانواده می شود و ذکر جزییات در اینگونه خاطرات باعث توجه بیشتر جامعه به قشر زنان و نقش آنها در تحولات اجتماعی می شود.

دور از انصاف است که نگوییم یادآوری خاطرات پس از گذشت سال‌ها آن هم با شرایط جسمی و روحی راوی، کار دشواری است. خود راوی در مقدمه می آورد: (... زمانی که یادآوری خاطره‌ای دلخراش، آزرده‌ام می کرد دیگر از جاری شدن اشک‌هایم در حضور سیده‌اعظم حسینی معذب نبودم.) یا (در این مرحله چند بار به خاطر شرایط روحی و جسمی و برخی مسایل روز جامعه از ادامه‌ی مصاحبه پشیمان شدم و به بهانه‌های مختلف از ادامه‌ی کار طفره رفتم. در این موقع خانم حسینی با متانت و صبوری و درک درست از موقعیت تلاش می کرد بدون اعمال فشار مرا برای ادامه‌ی گفت و گو تشویق و توجیه کند.

خلاصه اینکه «دا» می تواند نمونه‌ای باشد بر توانمندی‌های زنان در عرصه‌های اجتماعی، صحنه‌های جنگ، استقامت در برابر تجاوز دشمنان و تحمل رنج بی شمار در این راه و تا آنجا که در ادبیات پایداری، اثری خلق شود که به چاپ (۶۰ به بالا هم برسد) و در این فروش کتاب، اگرچه حمایت‌های نهادهای دولتی نیز موثر می باشد ولی به هر حال، در جامعه‌ای که کتاب‌های بسیار خوبی به چاپ دوم یا سوم هم نمی رسد و خوانندگان خاصی دارند، یک پدیده‌ی جالب در موضوع و کتابخوانی نیز می باشد آن هم در زمینه‌ی «دفاع مقدس». بخصوص این کتاب برای نسل سومی‌ها که جنگ را نه دیده‌اند و نه از آن بویی برده‌اند، می تواند بسیار جالب باشد و فرصتی باشد برای شناساندن لحظاتی که در همین سرزمین، برای دفاع از خاک و ناموس همنوعان، چه مادرانی بوده‌اند که فرزندان خود را ـ بدون هیچ چشمداشتی ـ به جنگ فرستاده و چه فرزندانی بوده‌اند که ساده می زیستند و در ساختمان‌های جنگ زده، زیرانداز و موکت‌های فرسوده، گرسنگی می کشیدند و با درد و فریاد باقی مانده از جنگ سوت خمپاره، متلاشی بودن جسد و ... روبرو می شدند.

این کتا لااقل به یاد ما می آورد که راحتی و آسایش امروز را مدیون کسانی هستیم که جان خود را در راه «دفاع» به خطر انداختند که تا ایران هست و ایرانی، همچنان «مقدس» است.

برگرفته از مقالات:

ـ رنج‌های مضاعف یک زن (نگاهی به کتاب «دا» خاطرات سیده زهرا حسینی، سیده‌اعظم حسینی) منبع: اینترنت
ـ حق نداشتم خسته شوم، گفت و گو با سیده‌اعظم حسینی، نویسنده‌ی «دا»، اینترنت
ـ «دا» پرفروش ترین کتاب تاریخ دفاع مقدس، نشریه‌ی سرمایه ۸۸/۱/۲۶
ـ «دا» روایت سفر به ژرفای یک حماسه، نشریه‌ی خراسان، ۸۸/۱/۲۰، اکرم محمدی
ـ چیزی فراتر از یک رمان، توصیف مجتبی رحماندوست از پرفروش ترین کتاب دفاع مقدس، اینترنت
ـ نقد و بررسی کتاب